

شماره مجوز: ۵۵۲/ک/ش  
صاحب امتیاز: عطیه حسین‌زاده  
مدیر مسئول: الهه صالحی  
سر دبیر: سیده فاطمه پاکدل



## جنگ روایت‌ها

سال دوم بود که با واژه بسیج آشنا شدم، با اخلاق و مهربون بودن، همین منو نمک‌گیر کرد. اون روز بخاطر تجمعات، سلف نرفتیم و غذایی که رزرو کرده بودیم سوخت! توی اون گرما هر سه چهار نفر یه شیشه آب داشتیم، به اندازه رفع تشنگی خوردیم و بقیش رو گذاشتیم برای وضو... انگار فهمیده بودن چقدر تشنه‌ایم و برای کمک شیشه آب پرت می‌کردن سمتمون!

11:51-AM ✓

این بسیجیا کدومشون دانشجویین؟ کارت دانشجویی کدومشونو دیدی؟ از بیرون آوردنشون، ناهارشونم دادن. همه جا مثل کنه جلومونو گرفتن... یکی از پسرامونو زدن، بعد یه اشتباه بطری انداختن ما رو بُلد می‌کنید؟

11:50-AM ✓

## معاونت کدام فرهنگ؟



### سه کلام حرف حساب

مگر نباید مسجد دانشگاه، پایگاه رفع شبهه، سؤال و حتی مشکل دانشجو باشد؟ چرا موقعیت مسجد دانشگاه هنوز برای خیلی از دانشجویانش ناپیداست؟

چرا باید خوابگاه دانشجویی با صدای اذان یا حتی یک آیه قرآن یا حدیث روی در و دیوارش بیگانه باشد؟ معاونت فرهنگی چه می‌کند؟ دقیقا چه فرهنگی را مدیریت می‌کند؟ فرهنگ غربی را؟

چه کاری کرده‌اند؟ جز ایجاد موانع برای افراد دغدغه‌مند و تعریف کردن از کارهای در دست اقدامی که فقط خدا می‌داند حاصل آن چند سال دیگر کاممان را شیرین می‌کند، البته اگر تعریف‌های آقایان مسئول، دچار اغراق و صرفا برای دست مربزاد شنیدن نباشد.

کار فرهنگی مداومت می‌طلبد و فعالیت‌های گاه و بی‌گاه مناسبی آن هم با احتیاط‌هایی از این قبیل که از تدین و اسلام و انقلاب حرف نزن که همه جذبیت شوند راه به جایی نمی‌برد

اگر برای روح دانشجو حداقل به اندازه جسم او اهمیت قائل باشید باید این را هم بدانید که اگر نیاز روحی او از راه درست برطرف نشود ناچارا به آنچه که نباید رو می‌آورد و این دقیقا همان دروازه خالی است که دشمن برای کاشتن گل‌های سمی‌اش از آن استفاده کرده و خواهد کرد!

کاش پایان دهیم به کوبیدن در هاوانی که در آن جز آب نیست!

دارد و روابط جنسی یک تجارت است. کارتر، رئیس جمهور آمریکا در یکی از سخنرانی‌های خود درباره آمریکا گفته است: «امروز ۳۰ میلیون نفر در **بردگی** به سر می‌برند. وزارت خارجه می‌گوید که ۸۰۰ هزار نفر سالانه بین مرزهای بین‌المللی فروخته می‌شوند و به بردگی گرفته می‌شوند و **بیش از ۸۰ درصد افراد فروخته شده زنانی هستند که به #بردگی\_جنسی گرفته می‌شوند.**»

فکر می‌کنم این جماعت فقط اسیری‌شان در این حد باشد که نمی‌توانند در آب حوضچه‌های اطراف من شنا کنند! وگرنه تعداد رشته‌های ورزشی نیز از ۷ رشته در سال ۵۷ به ۳۸ رشته در بیست سال اول انقلاب رسید. در آن زمان فقط ۷ داور زن وجود داشت و الان ۱۶ هزار **رشدی حدود ۲ هزار پراپیر**. مدال‌های کسب شده بین‌المللی نیز از دو عدد در اول انقلاب به پیش از ۸۰۰ عدد رسیده است. ما عادت کرده‌ایم نیمه خالی‌ای را ببینیم که دیگران به ما نشان می‌دهند. در حالی که شاید نیمه پر لیوان چشم‌گیرتر هم باشد. خلاصه که درست است این چند روز در وسط میدان علوم خیلی سخت گذشت **اما باز هم هیچ‌جا خانه خود آدم نمی‌شود.**

ادامه دارد...

در روزهای اخیر، به دنبال فوت خانم امینی شاهد التهاباتی در دانشگاه بودیم که در این بین نقش کم‌رنگ یا شاید هم بی‌رنگ برخی مسئولین دانشگاه بیشتر به چشم خورد، اما تلخ تر از آن پیشینه این مسئولین است که بنا بر غفلت یا شاید هم عادت در مقابلش سکوت کرده‌ایم.

مگر اینطور نیست که دانشجویان امروز دانشگاه، مسئولین فردای کشورند و مگر نباید اولویت در دانشگاه، تربیت نیروی متخصص و باتقوا برای پیشرفت یک کشور اسلامی باشد.

چطور از دانشجویی که در طول چندین سال تحصیل در مدرسه و سپس دانشگاه هیچ فهم درستی از دین نه در واحد تحصیلی نه غیر از آن به او اضافه نشده است، توقع داریم مدافع دین باشد؟ وقتی هیچ چیز از لزوم دین در زندگی برایش روشن نشده است! چطور می‌خواهیم آن را اجباری نداند و به جانش غر نزند؟

البته شاید به کلی این هدف فراموش یا نادیده گرفته شده است تا محیط دانشگاه تبدیل شود به یک محیط صرفا علمی خشک که درس‌های معرفتی فقط پاس شوند.

چرا در دانشگاه کشور اسلامی باید با ذره‌بین دنبال شعائر اسلامی گشت؟

## هیچ‌جا خانه خود آدم نمی‌شود!



### ستون منفی پنجم

آنقدر که این دو سه هفته به ما سخت گذشت، آن سی سال رنج نکشیدیم. به نظرم باید دیگر به خوابیدن زیر خروارها خاک نرم خاتمه دهم و دوباره یک سی سالی زحمت بکشم تا چیزهای دیگری را زنده نگه دارم. چیزهایی مانند **ایران** را! که اگر نباشد فارسی را هم نمی‌توان نگه داشت. وقتی تمام زندگی‌مان بشود مانند کشورهای آنور آبی، می‌خواهد زبانمان نشود؟

این روزها دور و اطراف من را حسابی شلوغ کرده بودند؛ مانند زمان‌هایی که فقط برای امتحان ادبیات یادشان می‌آمد یک فردوسی‌ای هم هست. شعار «زن، زندگی، آزادی» سر می‌دادند. شعاری که آن را تکرار کرده‌اند و مانند بقیه حرف‌هایشان اگر چه شاید یک حق برای مطالبه باشد ولی درک صحیحی از آن وجود ندارد؛ شعار گروهک تجزیه طلب پ.ک.ک! احمدی یکی از رهبران شاخه ایرانی آن بود که به دخترش تجاوز و باعث خودکشی او شد.

بهانه احتمالا این است که زن در ایران اسیر است. اما آمارها نشان می‌دهد برده‌داری در برخی کشورهای غربی، سرسام‌آور رواج